

آیا افراد باهوش هم می‌توانند عامل شکست یک کسب و کار باشند؟ افراد موفق و باهوش به این 6 دلیل شکست می‌خورند



هرکسی ممکن است در زندگی خود طعم شکست را بچشد و از رسیدن به هدفش ناکام بماند. نمی‌توان ادعا کرد که افراد باهوش هرگز شکست نمی‌خورند، شاید انتظاری که از این گونه افراد داریم در مقایسه با افراد عادی بیشتر است. برای موفقیت در دنیای واقعی باهوش بودن شرط لازم است اما کافی نیست. گاهی اوقات افراد باهوش هم به علت غرور یا تصمیم‌گیری‌های نادرست و عجولانه خود ممکن است شکست را تجربه کنند یا حتی یک کسب و کار به نام و قدرتمند را به ورطه نابودی بکشانند.

اکثر کسب و کارها توسط افرادی اداره می‌شوند که هوش بالایی دارند و وقتی کسب و کاری با شکست مواجه می‌شود، معمولاً به دلیل اشتباهات احمقانه این رهبران باهوش است. حتی زمانی که محصولی در مرکز توجه قرار دارد، تفکر نادرست آدم‌های بسیار هوشمند موجب می‌شود تمام رشته‌ها پنبه شود. نمونه‌های زیادی را در این رابطه می‌توان نام برد، یکی از نمونه‌های جالب توجه شرکت کداک است، شرکتی که مخترع اولین دوربین‌های عکاسی دستی بود ولی کوتاهی کرد و هیچ اقدامی در جهت فناوری عکاسی دیجیتال انجام نداد، چون رهبر این شرکت ترسید که کداک از کسب و کار اصلیش دور بماند (این شرکت در نهایت ورشکسته شد). بعد زیراکس، شرکتی که نه تنها در سرمایه‌گذاری در یکی از متحول‌کننده‌ترین محصولات تاریخ - کامپیوتر رومیزی با رابط کاربر گرافیکی- شکست خورد؛ بلکه به کارمندان اپل اجازه داد از تاسیسات این شرکت بازدید کنند و فناوری آن را کپی‌برداری نمایند.

مطلب پیشنهادی



سقوط پدرخوانده هفت اشتباه بزرگ که موجب سقوط یاهو شدند!

بسیار راحت و آسان است که فرض را بر آن بگذاریم که این رهبران توجه لازم را در کار خود نداشتند و این فکر را در ذهن خود تقویت کنیم که چنین شکست‌ها و ناکامی‌هایی برای ما اتفاق نخواهد افتاد. اما واقعیت امر این است که این رهبران، افراد بسیار باهوش بودند که سوابق عالی و درخشانی داشتند. پس حتماً حواسشان بوده و به آنچه که انجام می‌دادند توجه داشتند. پس چه اتفاقی افتاده است؟

سیدنی فینکلشتاین، استاد دانشکده مدیریت کسب و کار در درتمونت، شش سال بدنبال پاسخی برای این پرسش بود. او و همکارانش 51 کسب و کار را که بدترین شکست در جهان تجارت را تجربه کرده بودند، مورد مطالعه قرار دادند؛ با مدیران اجرایی و افراد در رده‌های مختلف مصاحبه کردند. فینکلشتاین می‌خواست شیوه کار داخلی هر کسب و کار را بفهمند و فکرها و فکری اصلی را بررسی نماید و بدانند که چه چیزی منجر به این تصمیم‌گیری‌های مصیبت‌بار شده است. او و تیمش دریافتند که تصمیم‌گیری‌های ضعیف این رهبران باهوش گاهی اوقات عمدی و گاهی

اوقات سهوی بوده است، اما آن‌ها همیشه دنباله روی غرورشان بوده‌اند که می‌تواند حتی موفق‌ترین شرکت‌ها را هم زمین‌گیر کند. طبق مطالعات صورت گرفته توسط فینکلشتاین:

1. آن‌ها خودشان و شرکت‌شان را دستیافتنی می‌دانستند

داشتن اهداف بلند و یا حس غرور و افتخار سالم هیچ اشکالی ندارد، اما این مدیران قدر موفقیت خود را ندانستند. آن‌ها آنقدر شیفته و مجذوب ایده‌های خود شدند که باور داشتند رقبای آن‌ها هرگز به گرد پای آن‌ها نمی‌رسند، شرایط آن‌ها هرگز تغییر نخواهد کرد و سر و کله هیچ اخلاص‌گری پیدا نخواهد شد. این پیش‌بینی‌های غیرواقعی شکست را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند. مدیران باید دائماً مواضع خود را مورد سوال قرار دهند، به خصوص هنگامی که در جایگاه بالایی قرار می‌گیرند.

2. نمی‌توانستند بگویند که کجا از تصورات خود دست کشیده‌اند و به امور شرکت پرداخته‌اند

در مطالعات صورت گرفته توسط فینکلشتاین، مدیران شرح حال بلند بالایی داشتند و تصویری که از شرکت در ذهن خود ساخته بودند تمام فکرشان را مشغول کرده بود. در نتیجه، آنقدر مشغول تصورات ذهنی خود شده بودند که به کلی از مدیریت شرکت غافل مانده بودند. این کار نه تنها منجر به رکود شرکت می‌شد بلکه فساد و نادرستی هم به بار می‌آورد. مدیری که شرکت را مال خودش می‌داند به احتمال زیاد هر چیزی که تصور ذهنی او را خراب می‌کند، پنهان می‌نماید؛ حالا چه کم بودن تعداد محصولات باشد و چه عیب محصولات.



3. آن‌ها فکر می‌کردند که باهوش‌ترین فرد داخل اتاق هستند

بسیاری از این مدیران به خوبی می‌دانند که چقدر باهوش هستند. هویت آنان چنان غرق هوشمندی‌شان شده است که باور دارند ورود دیگران کاملاً غیرضروری است. آن‌ها به سرعت تصمیم می‌گیرند و زمان‌هایی که سوء تفاهم وجود دارد، از پاسخ به سوالات سرباز می‌زنند. گرچه این صفت ممکن است تداعی کننده یک مدیر قدرتمند باشد، اما تصمیم‌گیری‌های آنی همراه با بی‌تدبیری اغلب به اشتباهات بزرگ این مدیران منجر می‌شوند. وقتی به فکر و نظر دیگران اهمیت نمی‌دهید، احتمال شکست دوچندان می‌گردد.

4. اطراف آنان را بله قربان‌گویان فرا گرفته‌اند

وفاداری آنقدر فکر و ذهن برخی مدیران را مشغول کرده است که برای هر تصمیمی که می‌گیرند منتظر پشتیبانی و تایید عده‌ای بی‌فکر هستند. این کار موجب بی‌زاری و گریزان کردن کارمندان ارزشمند و صدهای خاموشی می‌شود که می‌توانند به موفقیت کسب و کار کمک کنند. وقتی مدیری از بی‌وفایی‌ها و ناسپاسی‌ها شکایت می‌کند و اقتدار کارمندان را تضعیف می‌نماید، دیگر کسی باقی نمی‌ماند که بخواهد به او بابت تصمیماتش هشدار دهد.



5. آن‌ها پرچم قرمز و علائم هشداردهنده را رد می‌کنند

برخی مدیران آنقدر شیفته دیدگاه‌های شخصی خود هستند که تمایل دارند شرکت را با نظرات خودشان پیش ببرند. بسیاری از این مدیران خواستار نظرات و پیشنهادات دیگران هستند، اما فقط نمی‌توانند پای خود را از روی پدال گاز بردارند. اصرار و پافشاری از جمله ویژگی‌های فوق‌العاده این مدیران است اما نباید به قیمت نادیده گرفتن حقایق تمام شود.

6. آن‌ها بیش از حد به کارها و موفقیت‌های قبلی خود متکی هستند

ارزبابی موفقیت‌ها و شکست‌های پیشین می‌تواند به پیشرفت کسب و کار کمک کند، اما گذشته نباید نیروی محرک آینده یک شرکت باشد. تیم فینکلشتاین دریافتند که بسیاری از مدیران شکست خورده از لحظات مهم و اثربخشی که در حرفه خود داشته‌اند، استفاده می‌کنند و دائم سعی می‌کنند تا آن‌ها را تکرار نمایند، حتی زمانی که استراتژی‌های قبلی آنان دیگر معنا و مفهومی نداشته باشد. به همین دلیل، مدیران موفق دائماً خود را با محیط اطرافشان وفق می‌دهند.

جمع‌بندی

تحقیقات فینکلشتاین نشان داد که اکثر شکست‌هایی که در حوزه کسب و کار صورت می‌گیرند، اجتناب‌پذیر هستند. باهوش‌ترین این مدیران دائماً بر رفتار خود نظارت دارند تا قبل از آن که کار از کار بگذرد، مشکلات احتمالی را برطرف نمایند.

=====

شاید به این مقالات هم علاقمند باشید:



10 ویژگی کسانی که هوش هیجانی بالایی دارند



11 تلقینی که افراد موفق هر روز با خود تکرار می‌کنند



افراد موفق، این هشت چیز را قربانی می‌کنند



اگر موفقیت می‌خواهید، این ۲۵ ویژگی را از خود دور کنید



۱۰ تفاوت افراد طبقه متوسط و افراد ثروتمند



پرونده‌های نیمه‌باز را ببندید تا درهای موفقیت باز شود



8 نشانه شخصیت قدرتمند شما که دیگران را می‌ترساند



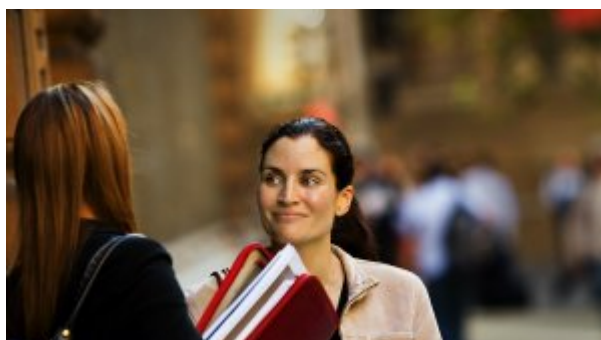
برای موفقیت به شکست خوش‌آمد بگویید



10 چیزی که زندگی شما را برای همیشه عوض می‌کنند



اگر می‌خواهید فرد موفق باشید؛ اول این 5 اصل ساده را بیاموزید



چگونه انسان‌های باهوش با افرادی که دوست‌شان ندارند، کنار می‌آیند؟



10 اشتباهی که ممکن است در 10 دقیقه اول یک روزکاری انجام دهید

منبع:

هافینگتون پست
تاریخ انتشار:
06 اردیبهشت 1395

نشانی منبع: <https://www.shabakeh-mag.com/success-and-entrepreneurship/3283>